

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

سه‌شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۴ • ۲۰ رمضان ۱۴۴۷ • ۱۰ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۴۵ • صفحه ۶۰۸

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادداشت

کم‌کاری رسانه‌های رسمی



بویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

همه سازمان‌های اجرائی دستورالعمل‌های مشخصی برای مقابله با شرایط بحرانی و اضطراری تهیه کرده‌اند و بالطبع یکی از جلوه‌های این شرایط همانا شیوه‌های اطلاع‌رسانی است. در شرایط جنگی نیز به‌طور اولی چنین شیوه‌نامه‌هایی وجود دارد؛ هرچند در این شرایط به دلیل شرایط بسیار خاص و حد جنگ، اساسا لازم است مقوله اطلاع‌رسانی به‌طور واحد و یکسان از یک مرجع صورت بگیرد. این همان وضعیتی است که در کشورمان و در جریان جنگ اخیر نیز دیده می‌شود. معمولا به سایر مراجع خبری توصیه می‌شود از اطلاع‌رسانی پرهیز کرده و در هماهنگی کامل با همان مرجع بکه و واحد عمل کنند. در جریان جنگ حاضر نیز اسرائیل حتی برای خبرنگاران بین‌المللی ممنوع کرده که هیچ تصویری از خرابی‌ها و اصابات‌ها بدون اطلاع و اجازه مراجع مربوطه در آن کشور بخاروه نکنند. مقایسه این شرایط با کشور ما نیز می‌تواند درس‌آموز باشد. به محض وقوع حادثه یا اصابات، سیلی از تصاویر و ویدئوها بین مردم و سپس رسانه‌های ماهواره‌ای ردوبدل می‌شود که به لحاظ استانداردهای اطلاع‌رسانی جنگ، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مورد قبول باشد. کدام ایران توانسته یک تصویر یا ویدئو از وضعیت اصابات‌های موشکی و پهپادی در اسرائیل را مشاهده کند، مگر همان چیزی که خود مراجع اطلاع‌رسانی آن کشور تصمیم به انتشارش گرفته باشد یا آن چیزی که توسط رسانه‌های رسمی ایرانی آن را منتشر شده باشد؟ شاید اکنون تعبیری همچون پشت جبهه و خط مقدم در نبردهای موشکی کنونی چندان مصداق نداشته باشد، اما چه‌بسا بتوان پشت جبهه را به‌مثابه آن چیزی دانست که در اذهان مردم عادی در شهرها و روستاها می‌گذرد. باید دانست که مردم اسرائیل گوش به فرمان مسئولان خود هستند و از بخاربه تصاویر دهشتناک اصابات یا تلفات خودداری می‌کنند، اما بسیاری از مردم ما بدون توجه به درخواست‌های مسئولان کشور، در اولین ثانیه‌های اصابات و حادثه، اقدام به تولید مستندات صوتی، تصویری و ویدئویی می‌کنند که این مستندات در نهایت سر از رسانه‌های ماهواره‌ای درمی‌آورد. این به آن معنا نیست که ایرانیان قصد خاصی از جنس مقابله بی‌تضاد با کشورشان داشته باشند و شاید صرفا از سر کنجکاوی دست به این کار می‌زنند. این اقدام را باید در نسبت با کاهش مرجعیت رسانه‌ای داخل هم ارزی کرد. مردم خوب کشورمان در این روزهای وحشتناک مقاومت کرده و با تمام وجود در صحنه ایستاده‌اند. شاید این هم از کم‌کاری رسانه‌های رسمی است که نتوانسته‌اند مردم را قانع کنند که این اقدام به نفع خودشان نیست. مردم مقاوم ما با اندکی تامل می‌توانند متوجه شوند که چرا هیچ تصویر و ویدئوی خاصی از خسارات جنگ در طرف اسرائیلی نیست؟ آیا قرار است چنین تلقین شود که اساسا خسارات و تلفاتی در کار نبوده است؟ باید دانست این همان تلقین روانی و ذهنی در «پشت جبهه» است.

جنگ‌خوانی

کدام مکان‌های تاریخی تهران تخریب شدند؟

قلعه فلک‌الافلاک و کاشی‌های مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان از موارد آسیب‌دیده این روزها هستند. در تهران نیز برخی مکان‌ها پس از حمله اسرائیل و آمریکا صدمه دیده‌اند. ساختمان سنا یا مجلس شورای قدیم در خیابان امام خمینی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، ساختمان قدیمی زاندارمری در ابتدای خیابان کارگر جنوبی به‌طور کامل تخریب شده‌اند. همچنین، براساس مشاهدات اولیه، بخش درخور توجهی از ساختمان دانشگاه جنگ نیش خیابان دانشگاه جنگ تخریب شده است. ساختمان پهلوی کلاصتری باهرستان، سردر دفتر امیرکبیر در میدان ارگ و ساختمان دادگستر در دفتر میدان آسیب دیده است. کاخ مرمر نیز آسیب جزئی دیده است. کاخ سلطنت‌آباد، خانه ارباب هرمز، کاخ فرح‌آباد، خانه احمد مصدق در کوچه لقمان‌الدوله در خیابان ولیعصر، احتمالا آسیب‌هایی دیده‌اند.

از شامگاه شنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۴ شهرداری تهران، ایستگاه‌های متروی بریانک، شهید نواب صفوی، شادمان و کمیل در منطقه ۱۰ تهران را به عنوان پناهگاه‌های منطقه تعیین کرد. در سرزمین دشمن، پناهگاه‌های جنگی اسرائیل به‌ویژه آنهایی که برای پدافند مدنی ساخته شده‌اند، با مقاومت بسیار بالا طراحی شده و ترکیبی از ملاحظات فنی، زمین‌شناختی، نظامی و قابلیت نصب سریع در تعیین محل و ساخت آنها رعایت می‌شود. این پناهگاه‌ها چندلایه در سنگ بکر و معمولا در ژرفاهای ۱۰ تا ۳۰ متری و در برخی موارد، حتی بیش از ۵۰ متر به‌ویژه در مناطق با زمین‌شناسی مناسب و سنگ‌های محکم ساخته می‌شوند. ژرفای مذکور برای جذب انرژی انفجار و کاهش اثر موج‌های ضربه‌ای لازم است. هر متر ژرفای زمین ۱۰ تا ۲۰ درصد حفاظت اضافی ایجاد می‌کند. این سکونتگاه‌ها معمولا برای اهداف نظامی یا نیروگاه‌ها الزاما ساخته می‌شوند.

پناهگاه‌های «ماموت»- ساخت شرکت دفاعی ماموت- از دیوارهایی از بتن مقاوم در برابر انفجار تا دو متر ضخامت ساخته شده‌اند و یک سیستم پیش‌ساخته و قابل نصب سریع برای ایمن‌سازی در برابر حملات هوایی، انفجار یا زلزله دارند. این سکونتگاه‌ها برای استفاده عمومی از جمله مدارس، مراکز خرید و خانه‌ها نیز مناسب هستند. این پناهگاه‌های بتنی و فلزی و ترکیبی قابل نصب سریع در ۲۴ تا ۴۸ ساعت، حاوی فیلترهای هوا، تصفیه آب و دارای سنسورهای هوشمند برای تشخیص خرابی، فشار یا نشت و تجهیزات برای جریان آب و فاضلاب هستند.

انتخاب مکان پناهگاه براساس زمین‌شناسی محل، در سنگ‌های پایدار برای تاب‌آوری درازمدت در برابر آسیب‌هایی مانند سیلاب و آبرفتگی و هنگام حمله برای تاب‌آوری در برابر آلودگی‌ها انجام

پس از جنگ ۱۷روزه، خیرکزاری الجزیره به انتشار ارزیابی‌های یک مؤسسه به گمانه‌نظامی ترکیه از آن جنگ پرداخت که در آن نقاط قوت و ضعف طرفین درگیری طرح شده بود؛ از عملیات سایبری و خراب‌کاری‌ها و دفاع ضدموشکی اسرائیلی‌ها تا برآورد توان پاسخ‌گویی موشکی. در هر مورد گوشزد شده بود کفه به کدام سو سنگینی می‌کند؛ تا گزارش رسید به مقوله جامعه و تاب آن در برابر جنگ. در اینجا، گزارش موضوع محتاطانه و کارشناسی را با خیال راحت کنار گذاشت و دست بالا را با فاصله زیاد به ایران داد. تا جایی که یادم هست، گزارش به رواج برخی ویژگی‌های فرهنگی در میان اسرائیلی‌ها اشاره کرده بود که تحمل شرایط جنگی را برای آنها سخت می‌کند، ولی در جامعه ایران تاب‌آوری و تحمل بالا را عمدتا به مسائلی مانند عادت به تحریم و فشار اقتصادی منسوب کرده بود که به نظر من فقط شاید بخشی از عوامل مؤثر باشد.

نخست باید یادآوری شود که اهمیت تاب‌آوری در دفاع ایرانیان احتمالا بسیار بیشتر از آنچه باشد که در آن گزارش آمده است. دوم آنکه تاب‌آوری فرهنگ ریشه‌داری به نظر می‌رسد که شکل‌گیری آن حاصل هزاره‌ها تجربه گفته و نگفته است. نه اتفاقات سیاسی و اقتصادی چند دهه. قول دکتر پیران را با نقل می‌کنم از اینکه جامعه ایران حدود هزار و ۲۰۰ جنگ از سر گذرانده (آن‌هم گویا فقط در حدود دوهزار و ۵۰۰ سال گذشته آن). بی‌ربط نیست که دکتر ظریف هم در آغازین ساعات جنگ، جمله‌ای را با تاکید در حساب ایکس خود آورده بود. با این مضمون که جامعه ایرانی بیش از همه مهاجمان تاریخ خود دوام آورده و این بار نیز استثنا نخواهد بود.

موقعیت جغرافیایی ایران خودبه‌خود آن را میزبان بسیاری از لشکرکشی‌های تاریخ کرده و این مواجهه همیشگی با تقویت



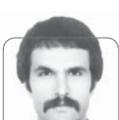
مهدی زارع

می‌شود. پناهگاه‌ها محلی برای زنده‌ماندن هستند، نه صرفا محلی برای پنهان شدن. موشک‌ها، بمب‌ها و پرتابه‌های ارتش‌های متجاوز آمریکا و اسرائیل ضربه‌های مکانیکی و لرزه‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند. انفجارهای موشک‌های شلیک‌شده از زمین یا هواپیمای به‌صورت ضربه‌های موجی متمرکز و سیل‌مانند اتفاق می‌افتد. این ضربه‌ها می‌توانند ۱۰۰ تا هزار کیلوژول انرژی را در یک فاصله کوچک مثلا ۱۰ تا ۵۰ متر انتقال دهند و لرزه‌هایی با بزرگای ۰.۱ تا ۰.۵ ایجاد کنند و به همین دلیل سازه‌های نزدیک را به‌صورت مکانیکی و صوتی تخریب می‌کنند.

انفجار بمب‌های بزرگ، ضربه‌های مکانیکی بزرگ‌تری ایجاد می‌کنند و هزار تا ۱۰ هزار کیلوژول انرژی را در یک فاصله کوچک ۲۰ تا ۱۰۰ متری منتقل می‌کنند و موجب تخریب سنگین می‌شوند. انفجار با آزادی انرژی معادل ۱۰ هزار کیلوژول لرزه‌ای با بزرگای دو تا ۲.۵ می‌تواند ایجاد کند که شدت لرزه‌ای ناشی از بمب‌های بزرگ برای ساختمان‌های نزدیک خطرناک‌تر است. نمونه‌ای از این پرتاب‌ها با هدف‌گیری جایتاکرانه مدرسه شجره طیبه میناب بود که با موشک‌های توماهوک از فاصله حدود ۴۰۰کیلومتری از پایگاه آمریکا در بحرین در ۹ اسفند ۱۴۰۴ هدف‌گیری و تخریب شد

یادداشت

تاب‌آوری ایرانی در برابر ناملایمات



فرشیدسامانپور

برخی اعتقادات و باورها و عادات فرهنگی ما همراه بوده است که پیداکردن رد آنها سخت نیست ولی یافتن ریشه فرهنگی آنها شاید مشکل‌تر باشد. به نظر من یکی از این ریشه‌های مهم، حکمت ایرانی است که زندگی جهانی را فقط بخشی از سیر وجود می‌بیند. ملاصدرا با تعریفی روشن محدوده مجاهدت‌های فلسفی خود را پیش از خلقت و پس از معاد معرفی می‌کند (آن‌هم با تاکید بر معاد جسمانی). از این منظر این «دو روز زندگی» بخشی از سیر و تحول و تشکیک وجود و حتی شاید بخشی از زندگی جسمانی به نظر می‌رسد. آن وجود هم به نظر بسیاری از حکمای عرفانی و فلسفی-عرفانی ما واحد است.

به نظر می‌رسد بازتابی از این فرهنگ را می‌توان در شیوه دفاع سربرازان مهن، به‌ویژه فرماندهان ارشد و نیز عموم مردم دید. این را که هر دو جنگ اخیر با ترور فرماندهان ارشد ایران آغاز شد، نمی‌توان استثنائی در تاریخ دید. آنچه من از تاریخ جنگ ایرانی می‌دانم، حکایت از عادت فرماندهان و حتی پادشاهان ایران برای حضور مستقیم در صف نبرد دارد. کوروش هخامنشی هم جان خود را در یک نبرد ظاهرا نه‌چندان مهم از دست داد. همین حالا هم می‌توانید ببینید که چه تعداد زیادی از خیابان‌ها و بزرگراه‌های کشور به اسم فرماندهان ارشد جنگی ماست. چندی پیش یک ستون‌نویس نیویورک‌تایمز این



در روزهایی که کشور در شرایط جنگی به سر می‌برد، مرکز اهدای خون وصال تهران صحنه‌ای متفاوت از ایثار و همبستگی است. در سالن انتظار مرکز، جمعیتی از زوهداران نشسته‌اند؛ جوان و پیر کارمند و کارگر، همه با هدف اهدای خون برای مجروحان جنگی و بیماران نیازمند اینجا هستند. عکس: امین جلالی، ایرنا

یادداشت

سوگند به ایران



حسین کیانی

نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر

در جریان یک نشست خبری، ترامپ مدعی شد: «آنها سر نوزادان را می‌برند و زنان را از وسط نصف می‌کنند!». وقتی شرورترین انسان روی زمین قرار باشد درباره متمدن‌ترین ملت دنیا حرفی بزند چاره‌ای جز گفتن این اباطیل که ایرانی‌ها شرورترین مردم روی زمین هستند، ندارد. هرچند یاره‌گویی این پریزدنت پلید و اهریمن‌صفت که پندار و گفتار و کردار بد را پیشه همیشه خود کرده حتی لیاقت شنیدن هم ندارد، اما یاره‌بافی کند، گاوچاله دهسان او را دو گروه خوب باید بشنوند. یکی آنهایی که در داخل کشور، چشم امید ناسور خود را به کمک‌های او برای رسیدن به مقصودی متوهمانه بسته بودند و دوم گروهی که در آن سوسی دنیا بر آتش بمباران و ویرانی و کشتار کودکان و زنان و مردان ایرانی جشنی دوزخی و اهریمنی برپا کردند یا بزدلانه و ترسیده از عواقب زیرکاداشتن سوگند معروفی که ضمیمه پاسپورت آمریکایی خود برای حمایت بی‌قیدوشرط از ایالات متحده یاد کرده‌اند از همدلی با هم‌وطنان خود که توسط بمب‌های آمریکایی-صهیونی به خاک و خون کشیده می‌شوند پرهیز می‌کنند، و چه ننگی بالاتر از این و چه شرمی پایان‌ناپذیرتر از اینکه در کشوری زندگی کنی که رئیس‌جمهور آن کشور، مردمان کشورت را شرورترین مردم روی زمین بنامد و آنها را وحشیانه‌تکه‌پاره کند اما تو نخواهی با نتوانی کوچک‌ترین حمایتی از کشور و هم‌وطنانت کنی.

ایران سرزمین نخستین پیامبر یکتاپرست جهان، زرتشت است، آنکه در سروده‌های مینوی خود، گات‌ها، چنین می‌گوید: ● راه در جهان یکی است و آن راستی است. ● اهورامزدای همه توانا، چنین برنهاده است که؛ خوشبختی از آن کسی است که به دیگران خوشبختی بخشد. ● کسی که به سوی راستان روی کند، جایگاهش در روشنایی خواهد بود و آنکه دیوخوی و دروغ‌گفتار است تا دیرگاه، زندگی را در تیرگی و کوردلی و افسوس به سرخواهد برد، سرانجامی که برخاسته از پندار و گفتار و کردار بد او خواهد بود.

ایران، سرزمین کوروش بزرگ است، او که به راستی و درستی و پاکی، بیرو دین اهورامزداست و نخستین منشور حقوق بشر و گل‌نوشته پاسداشت انسانیت انسان از آن آبرمرد جنگاوری و سیاست‌دانی است.

ایران سرزمین حکیم فردوسی است که می‌سراید:
سپه اندرون باشد و سستکل/
خواهد که موری شود تنگدل
میاراز موری که دانه‌کش است/
که جان دارد و جان شیرین خوش است
راستی‌گرایی و خردپرویی و انسان‌دوستی، بزرگ‌ترین آموزه‌های پیامبر وکشوردار و حماسه‌سرای ما ایرانیان بوده است و به این سه بیفزایید روحیه سلحشوری و دلاوری را تا دریابید چرما ما ایرانیان به خواست قلدرمآناه تن آن پرزیدنت بدوفیل کودکش‌تن نمی‌دهیم و تسلیم زیاده‌خواهی‌های او نمی‌شویم. و درست برای همین است که آن بیمار خودشیفته، سردرگم و پریشان‌احوال‌شده در برابر نیروهای مسلح و مقتدر ایران، احساس تلخ شکست زودسر را این‌گونه برون‌ریزی می‌کند و باز هم به همین دلیل است که او با رفتار جایتاکرانه و کلام سبک‌سرانه سعی می‌کند ملت ایران را مجازات کند، با تهدید به بمباران اجتماعات مردمی این شب‌ها، هدف قراردادن انبارهای سوخت و آلوده‌کردن هوا و توپین‌ها و اباطیل‌گویی‌هایی از این دست.

و سوگند به ایران‌زمین اگر آن اهریمن بتواند به کمترین و کوچک‌ترین خواسته خود از این سرزمین اهورایی برسد، سوگند به ایران که آن بی‌بهارترین و پلیدترین انسان نادان، آرزوی برهم‌زدن یکبارچگی و تجزیه ایران را به تابوت ننگبار خود خواهد برد. سوگند به ایران که ما قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین ملت دنیا زیر یک پرچم گرد خواهیم آمد و نخواهیم گذاشت هیچ اهریمن یانکی و صهیون‌تبهکاری، هوست و ملیت و ایرانیت ما را متزلزل و خنده‌دار کند. سوگند به ایران که نهنتها تا پای جان که روان‌های بی‌تن و جسمان نیز پاسدار و پاسبان ایرانیان خواهد ماند.

ویژگی را نوعی ساختار شبکه‌ای و غیرسلسله‌مراتبی معرفی کرده بود که ضربه‌یق بن آن را سخت می‌کند. البته این تحلیلگر درباره گروه‌های متحد ایران در منطقه نوشته و تحلیل و تعبیر جالبی هم برای آنها به کار برده بود: در شبکه، فرد شماره یک وجود ندارد، همه اعضای یک شبکه آدم شماره دو هستند، ولی از منظر حکمت ایرانی، این موضوع شاید بخشی از تصور یکپارچه وجود باشد که تمایزی میان سرباز و فرمانده قائل نیست و شاید بتوان گفت اتفاقا در آن همه شماره یک هستند و مرگ را یک آغاز می‌دانند (واژه شهادت هم تعبیری است از کسی که تازه چشمش به حقایق باز شده). ازاین‌رو شاید میزان آسیب‌پذیری فرماندهان و سایر سربازان ایرانی تفاوت چندانی با هم نداشته باشد. ولی از سویی دیگر هدف قرارگرفتن فرماندهان هم در تاب‌آوری دفاعی و کلان‌کشور اثر شدیدی نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد از منظر ایرانی همه اینها بخشی از یک وجود واحد هستند که گستره آن فراتر از نیروهای نظامی و دیربرگیرنده مردم غیرنظامی هم خواهد بود که معمولا در جنگ‌ها نقشی بسیار مهم برعهده دارند و شاید هم فراتر از آن. لازم نیست در این‌مجال به نمودهای این نقش اشاره کنم. امروز هرکس در جای خود می‌تواند بخشی از یک واحد کل در حال دفاع دیده شود. پیوند عمیق این مفاهیم با فرهنگ عمومی، به نظر می‌رسد معنای آن را با خود به میان مردم و زندگی روزمره آنان آورده و مواجهه با چنین وضعیت‌هایی را با وجود همه آلام و خسارات گاه جبران‌ناپذیر، تحمل‌پذیرتر کرده است. در برابر این شکل تاب‌آوری، جنگ به امر ناخوشایند و روزمره‌ای مثل آلودگی هوا تقلیل خواهد یافت. شاید همین روزها و پس از مواجهه با دو جنگ بیابمی می‌توانید کوچک‌تر شدن اهمیت آن را نزد مردم حس کنید، در برابر وجودی که ازلی و ابدی دانسته می‌شود.



یکی از دغدغه‌ها تبدیل‌شدن هوش مصنوعی به دستپاری برای جنگ طلبان و برنامه‌ریزان جنگی است. در مقاله‌ای که در این زمینه منتشر شده به سه عامل اشاره شده: ۱. مدل‌های زبانی بزرگ، اطلاعاتی را در دسترس قرار می‌دهند که بدون دانش پیشین درباره محل جست‌وجوی آنلاین، یافتن آنها دشوار بود. ۲. گفت‌وگو با چت‌بات‌ها، راهنماهای اطلاعاتی طولانی و فنی را به دست‌ورالعمل‌های کوتاه و قابل اجرا تبدیل می‌کند. ۳. پاسخ‌های چت‌بات‌ها بسیار شخصی‌تر از نتایج حاصل از موتورهای جست‌وجوی سنتی هستند.